



تورم و نااطمینا آن در ایران

گزارشی از جلسه انجمن اقتصاد دانان ایران

در خصوص نرخ تورم آینده به وجود می‌آورد. وی گفت: تلاش شده راه هایی برای اندازه گیری نااطمینانی تورم پیدا شود و محققان برای اینکه بدانند آیا وقتی تورم افزایش می‌یابد، نااطمینانی تورم هم افزایش می‌یابد یا خیر؛ تحقیقاتی را آغاز کردند. اگر اینطور باشد باید گفت نااطمینانی تورم یکی از هزینه های اصلی در تورم اقتصاد یک کشور محسوب می‌شود و هزینه هایی که بابت آن ایجاد می‌شود را باید در کنار هزینه های تورم ملاک عمل قرار داد.

مروری بر ادبیات موجود در زمینه تورم و نااطمینانی تورم

یکی از خطوط اصلی مطرح این است که اصلاً اثرات و هزینه ها نااطمینانی از نرخ های تورم در آینده چیست؟ چرا باید نگران نااطمینانی تورم باشیم؟ هرچایی که تورم ملاک عمل برای یک تصمیم اقتصادی قرار دارد قاعداً نااطمینانی تورم هم باید ملاک قرار گیرد. اگر فاکتوری در تصمیمات ملاک قرار می‌گیرد باید با اعداد و ارقام کار شود مثلاً گفته می‌شود تورم در سال آینده ۱۴-۱۲ درصد خواهد بود. نکته دیگر این که تا چه میزان می‌توان با اطمینان این رقم را اعلام کرد؟ ممکن است زمانی تورم ۱۹- ۱۷ درصد و زمانی ۲۰-۱۰ درصد باشد اثراتی که هر کدام از این ارقام به روی تصمیم گیری و تصمیم سازی یک کسب و کار اقتصادی می‌گذارد، بسیار متفاوت خواهد بود.

دکتر قربانی تصریح کرد: انجام تحقیقات گسترده نشان داده که اولاً نااطمینانی تورم روی تصمیمات مصرف کنندگان و فعالان اقتصادی اثر گذار است و در مجموع رفاه اقتصادی را در جامعه کاهش می‌دهد. ثانیاً بدون نااطمینانی، افراد و کسب و کارهای مختلف در اقتصاد می‌توانند برنامه ریزی بهتری برای آینده داشته باشند. همیشه تصمیمات ما معطوف به آینده است. در تصمیم گیری آینده هم قیمت های آینده به میان می‌آید. اگر بگوئیم تورم نسبت قیمت های دوره آتی به قیمت ها در حال حاضر است؛ تورم قابل انتظار در آینده خواهد بود. اگر راجع به این مسأله نااطمینانی داشته باشیم قاعداً تخصیص منابعی که در حال حاضر راجع به آن تصمیم گیری می‌کنیم هم با اختلال مواجه می‌شود.

بحث دیگری که مورد اشاره دکتر قربانی قرار گرفت، تورم و سیاست های پولی است. وی گفت: یکی از اهداف اصلی بانک های مرکزی، نرخ تورم با ثبات و پایین است. در اقتصاد ایران نیز این هدف وجود دارد و تحت عنوان "حفظ ارزش پول" در قانون پولی و بانکی قید شده است. حفظ ارزش پول با نرخ تورم پایین محقق می‌شود، ما به عنوان بانک مرکزی و یک سیاستگذار پولی اگر می‌خواهیم در مورد تورم تصمیم گیری کنیم و سیاست های ضد تورم را ملاک عمل قرار دهیم؛ قاعداً هزینه هایی که آن مشکل برایمان ایجاد کرده است یکی از فاکتورها خواهد بود. حالا اگر هزینه ها راجع به نااطمینانی هم ملاک عمل قرار دهیم شاید در نحوه نگرش ما نسبت به مسأله تورم، تقویت ایجاد کند. هزینه هایی که نااطمینانی تورم در اقتصادها بوجود آورده، یکسری اثرات واقعی و ملموس دارد. یکی از آنها تغییر الگوی انباشت دارایی است. زمانی که نااطمینانی تورم ایجاد می‌شود در واقع امنیت دارایی های اسمی کاهش می‌یابد، یعنی اگر می‌خواهید در بانک سپرده گذاری انجام دهید نرخ سود ثابت دریافت می‌کنید و امنیت آن برایتان کاهش می‌یابد یا می‌خواهید اوراق مشارکت خریداری کنید و طبق گفته ها ۵/۱۵ درصد سود تعلق می‌گیرد، اگر ندانیم تورم آینده چه میزان است، امنیت این اوراق کاهش می‌یابد زیرا به عنوان

سرمایه گذار نرخ بازدهی واقعی ملاک است. ۵/۱۵ درصد برای سرمایه گذاری وقتی تورم ۱۰ درصد باشد خوب است اما زمانی که نرخ تورم ۲۰ درصد باشد وی متضرر خواهد شد، لذا نااطمینانی که شاخص قیمت آینده و تورم آینده بر تصمیمات وارد می‌کند یک مسأله است. زمانی که نسبت به دارایی های اسمی نامطمئن شویم به سمت دارایی های می‌رویم که عرضه آنها محدود است مانند زمین و طلا.

وی تصریح کرد: بحث دیگر این است که کسانی که سیاست های تورمی را مورد تشویق قرار می‌دهند باید به این نکته توجه کنند که نرخ هزینه اجاره سرمایه در شرایط تورم بالا، ایجاد ریسک می‌کند قاعداً افرادی که منابعی برای قرض دادن در اختیار دارند مازادی هم برای جبران نااطمینانی نیاز دارند این امر هزینه اجاره سرمایه را در اقتصاد افزایش می‌دهد و به سرمایه گذاری لطمه وارد می‌سازد. نااطمینانی تورم، نرخ های بهره و سود را در اقتصاد و با ناامنی مواجه می‌کند. همانطور که می‌دانید یکی از ملاک های دستمزد نرخ تورم است، ما می‌خواهیم قدرت خرید کارگر حفظ شود اما نرخ های دستمزد آینده هم با نااطمینانی مواجه می‌شود و در نهایت با کاهش فعالیت های اقتصادی روبرو هستیم. سرمایه گذاران سعی می‌کنند به سمت قراردادهای و فعالیت های کوتاه مدت بروند زیرا در صورت خسارت آن را یک یا دو ساله می‌پردازند نه ۱۰ تا ۱۵ سال.

لذا اگر در اقتصاد می‌خواهیم فعالیت های مولد بلند مدت در اقتصاد را مورد تشویق قرار دهیم تورم باید کاهش یابد و نااطمینانی تورم مهار شود. اگر نااطمینانی فعالان اقتصاد نسبت به آینده رفع گردد قاعداً در این فضا می‌تواند به سمت سرمایه گذاری بلند مدتی که مد نظر ما است، برسند.

وی تصریح کرد: برخی از اقتصاد دانان نااطمینانی واریانس نرخ تورم تعریف کردند و اعلام نمودند واریانس نرخ تورم جایگزینی نااطمینانی تورم است. این افراد به نتایجی هم دست یافتند منتها یک بحث اصلی این است که واریانس تورم نمی‌تواند لزوماً نشانگر نااطمینانی تورم باشد. مادامی که یک فعال اقتصادی بتواند بخشی از تلاطم تورم را پیش بینی کند آن بخش دچار نااطمینانی نیست پس در واریانس تورم باید این بخش را به دو قسمت تقسیم کنیم. یک بخش که قابل پیش بینی است و بخش دیگر غیر قابل پیش بینی می‌باشد، این بخش همان نااطمینانی تورم است.

دکتر قربانی خاطر نشان ساخت: بحث دیگر روش پیمایشی می‌باشد. در یکسری از کشورها مانند آمریکا دو موسسه وجود دارند که نظرات فعالان اقتصادی را پیرامون تورم آینده می‌پرسند، سپس شاخصی برای نااطمینانی تعریف می‌کنند، روش دیگر این است که از هر فرد می‌پرسند پیش بینی شما از تورم چیست و اعدادها را کنار هم می‌گذارند. (اگر اکثر آ حدود ۴ درصد اعلام کرده باشند مطمئن تر از زمانی است که دامنه پاسخ ها گسترده تر است) روش دیگر، ره یافت اقتصاد سنجی است که کامل تر از روش های گذشته است. در ایران که این روش ها را نداشته ایم و موسسه ای نبوده که چنین مطالعاتی را انجام دهد، لذا به ناچار به بخش سوم یعنی ره یافت اقتصادسنجی بازگشتیم. بر اساس انجام یکسری مطالعاتی در مورد واریانس تورم مشخص شد که رابطه مثبتی میان تورم و واریانس تورم وجود دارد.

مقاله دیگر هم رابطه معنا داری را پیدا نکرد (البته این مطالعات به روی تعدادی از کشورها انجام شده است). مسأله دیگر اینکه به لحاظ نظری چرا فکر می‌کنیم نااطمینانی تورم در زمان تورم بالا به وجود می‌آید؟ زمانی که تورم پایین و با ثبات است قاعداً بانک مرکزی خوشحال است زیرا نیازی نیست تغییرات سیاسی انجام دهد و سعی می‌کند فضای موجود را حفظ نماید منتها وقتی نرخ تورم بالاست قاعداً فعالان اقتصادی انتظار دارند که بانک مرکزی دیر یا زود سیاست های ضد تورم را ملاک عمل قرار دهد.

موضوع تورم و وضعیت آن در ایران این بار موضوع جلسه اعضای انجمن اقتصاد دانان ایران در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بود. در این جلسه دکتر پیمان قربانی - رئیس دایره حقوقی و مالی اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی بانک مرکزی - به ارائه مقاله خود در مورد تورم و نااطمینانی تورم در ایران پرداخت و عوامل و تأثیرات آن را در بخش های صنعتی و تولیدی کشور پرداخت و در پایان حاضرین به بحث و تبادل نظر پیرامون تورم در کشور پرداختند.

موضوع تورم و وضعیت آن در ایران این بار موضوع جلسه اعضای انجمن اقتصاد دانان ایران - گفت: در سالهای ۱۳۶۳ زمانی که کتابی را به فارسی ترجمه کردم متوجه شدم حلقه مسدود سر راه رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران وجود دارد زیرا تا به حال تمام مآخذ اصلی کتب اقتصادی از کشورهای پیشرفته به سوی اقتصادهای جهان سوم گسیل می‌شد و من اولین کسی بودم که توانستم کتابی در زمینه اقتصاد که تازگی داشت به فارسی ترجمه کنم و ایران اولین ملتی بود و هست که کتاب های مهم اقتصادی را ترجمه کرده است، سایر ملتها مانند اعراب در دویی سازمانی تشکیل داده اند که کتابهای مهم اقتصادی را به زبان عربی ترجمه نمایند در حالی که من ۳۰ سال قبل این کار را در ایران به عنوان یک ایرانی انجام دادم.

وی افزود: انجمن اقتصاد دانان ایران، دارای سابقه علمی جهانی است چنانچه به پاس انجام این خدمت بی سابقه، افرادی مانند سر جان هیکز برنده جایزه نوبل، پروفیسور بلاند استاد دانشگاه کمبریج و عده ای از اساتید دانشگاه تهران به خانه من آمدند و این موفقیت را تبریک گفتند و مرا تشویق کردند. امیدوارم این انجمن در سایه کوشش جوانان با استعداد، وطن دوست و خدمتگزار همچنان راه خود را در سمت و سوی علم اقتصاد و پیشرفت اقتصادی ایران ادامه دهند.

سپس دکتر پیمان قربانی به جایگاه سخنرانی دعوت شد. وی دانش آموخته رشته اقتصاد در دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد از همین دانشگاه است. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی به انگلستان می‌رود و در سال ۱۳۸۵ موفق به دریافت مدرک دکترای

اقتصاد از دانشگاه انگلیس می‌شود. دکتر قربانی کارشناس دفتر امور پژوهشی سازمان اسبق مدیریت و برنامه ریزی کشور و کارشناس دفتر امور اقتصاد کلان همان سازمان در سال ۱۳۷۵ بود که از همان سال به بانک مرکزی می‌آید و در ارائه بررسی ها و سیاست های اقتصادی این بانک مشغول به کار می‌شود، وی در حال حاضر رئیس دایره حقوقی و مالی اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی بانک مرکزی است.

دکتر قربانی اظهار داشت: بحث امروز، تورم و نااطمینانی تورم در ایران است. این یکی از مقالاتی بود که در دانشگاه انگلیس آن را آغاز کردم، اخیراً آن را مورد به روز رسانی قرار دادم و طبق آخرین اطلاعات موجود مقاله ام را تهیه و تنظیم کردم. وی افزود: تورم در اقتصاد ایران یکی از معضلات چند دهه اخیر بوده است و ما در دهه های اخیر همواره تورم دو رقمی را تجربه کرده ایم، سال هایی نزدیک ۴۰ درصد تورم داشتیم و در مجموع تورم سالیانه کشور با تورم یک رقمی مواجه نبوده ایم. این معضل همواره توسط دولت های مختلف مورد توجه قرار گرفته است و کم و بیش دولت ها توانسته اند افزایش یا کاهش ایجاد کنند اما هنوز در کاهش تورم موفق نبوده ایم.

به گفته دکتر قربانی، یکی از مباحث مهم در تورم که سایر کشورها به آن توجه نشان داده اند، نااطمینانی تورم است. نرخ های بالاتر تورم عموماً با تلاطم بیشتر در تورم همراه است و این قضیه نااطمینانی بیشتری را

زمان بندی این سیاست ها منشأ نااطمینانی است، من نمی دانم بانک مرکزی چه زمانی می خواهد در مورد نرخ بهره یا عرضه پول تصمیم گیری کند. زمان بندی اتخاذ سیاست در این جا مساله نااطمینانی را به وجود می آورد. یک بحث دیگر اینکه اثرات سیاست به روی متغیرهای نهایی، لزوماً خود را در یک سطح مشخص نشان نمی دهند، مکانیزم اشاعه سیاست های پولی در اقتصاد کشورها با هم متفاوت است و در زمان های مختلف هم فرق می کند. سرعتی که سیاست پولی به متغیرهای اصلی اقتصاد اشاعه پیدا می کند هم منشأ نااطمینانی است.

به گفته دکتر قربانی، بحث بعدی اینکه بانک های مرکزی چند هدف دنبال می کنند و هدف صرفاً حفظ ارزش پول و تورم پائین و با ثبات نیست بلکه رشد اقتصادی را هم مورد نظر قرار می دهند. در کشور ما سیاستگذاران هم از تورم بالا گلایه دارند و هم می خواهند به رشد ۹ و ۸ درصد دسترسی پیدا کنند، این امر خود یک منشأ نااطمینانی ایجاد می کند زیرا من به عنوان یک فعال اقتصادی نمی دانم سیاستگذار پولی بالاخره در تصمیماتش به کدام ابعاد وزن می دهد و آیا در دوره بعد تورم را ملاک عمل

دکتر قربانی ادامه داد: برای اینکه تعداد مشاهداتم بالا باشد و فرکانس بالایی داشته باشم از نرخ تورم ماهیانه براساس شاخص صندوق بین المللی پول استفاده کردم. (از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۸۶) در اوایل دوره نرخ تورم نسبتاً پایین تر بود و با ثبات تر هم بود. وقتی شوک نفتی در اقتصاد به وجود آمد افزایش نرخ تورم را داشتیم قاعداً نوسانات بیشتر شد، از زمانی که جنگ شروع شد تا سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ نرخ تورم در اقتصاد ایران به شدت شروع به نوسان کرده است یعنی هم بالا بوده و هم نوسان داشته بعد از در زمینه نرخ تورم مقداری ثبات به وجود آمد اما کماکان نرخ تورم بالا بود. تحولات اخیر هم نشان می دهد از اواسط سال گذشته نرخ تورم افزایش پیدا کرده است.

وی افزود: نتایج تحقیقات ما نشان می دهد تورم به طور معناداری در اقتصاد ایران نااطمینانی تورم را افزایش می دهد به نظر می رسد بحث انگیزه های تثبیتی سیاستگذاران اقتصادی و جنگ با تورم اینجا هم بوده لذا اثر منفی را مشاهده می کنیم اگر چه معنادار نیست. یعنی هیچگاه تلاش هایی که در خصوص مهار تورم صورت می گیرد؛ موثر نبوده است.



باید توجه داشت در اقتصاد ایران اگر سیاستگذار بگوید می خواهد با اتخاذ یکسری سیاست های اقتصادی، تورم را یکباره کاهش دهد نباید نگران نااطمینانی تورم باشد، کاهش تورم در اقتصاد ایران نااطمینانی ایجاد نمی کند بلکه افزایش تورم موجب ایجاد نااطمینانی می شود بنابراین اگر به عنوان فعال اقتصادی فکر کردم تورم سال آینده ۱۸ درصد است و پروژه ای را مورد ارزیابی قرار دادم و متوجه شدم با همان نرخ ۱۸ درصد هم سودآور است قاعداً اگر تورم ۱۲ درصد شود بیشتر خوشحال می شوم زیرا نرخ بازدهی واقعی پروژه ام مثبت بوده است لذا نگرانی از این بابت نباید داشته باشم. افزایش تورم اثر معنادار و مثبتی بر نااطمینانی دارد ولی نااطمینانی اثر منفی و بی معنا دارد.

تحولات اخیر تورم در کشور

وی تصریح کرد: قیمت مصرف کننده، نرخ تورم ۱۲ ماهه در آذر ماه سال ۱۳۸۵، ۱۰ درصد بوده اما امسال به ۱۷/۲ درصد رسیده یعنی با افزایش تورم مواجه هستیم. این قضیه را در بحث خرده فروشی به قیمت تولید کننده هم مشاهده می کنید. امری که ملاک قرار می گیرد بحث تورم نقطه به نقطه است. آذر سال گذشته ۱۴/۴ درصد تورم داشتیم امسال این رقم به ۱۹/۶ درصد رسیده است یعنی در قیمت تولید

کننده با افزایش مواجه بودیم.

به گفته دکتر قربانی، در حال حاضر با افزایش قیمت های عمده فروشی و تولیدکننده مواجه هستیم که وقفه ای را در شاخص های مصرف کننده نشان می دهند یعنی متأسفانه در سال های آینده باز افزایش شاخص قیمت مصرف کننده را خواهیم داشت امیدواریم رشد آن کم شود. از خرداد ۱۳۸۵ روند تورم صعودی بوده و بیانگر این است که مدل اقتصادسنجی ما تورم نقطه به نقطه است و نشان می دهد نااطمینانی در اقتصاد افزایش یافته است. از نیمه دوم سال ۱۳۸۵ رشد شدید قیمت مسکن را داشتیم یعنی اگر می بینیم به طرف بازار مسکن یا طلا هجوم برده شده به این دلیل است که نااطمینانی نسبت به بازدهی دارایی های اسمی مانند اوراق مشارکت و سپرده های بانکی کم شده و پول ها به سمت بازارهای مسکن و طلا رفته است. وقتی پول به سمت بازار مسکن و طلا می رود قاعداً این پول در بانک قرار نمی گیرد بدین صورت بانک در اعطای تسهیلات ضعیف می شود و اگر نتواند تسهیلات بدهد، سرمایه گذار نیازش را از کجا رفع می کند؟ این امر اثرات منفی را روی فعالیت های اقتصادی بر جا می گذارد و متأسفانه خطر نرخ تورم فزاینده یک بحث جدی است و هزینه های گزافی به دنبال دارد. اگر بخواهیم تورم را کنترل و مهار کنیم چه چیزی را باید مورد توجه قرار دهیم یا اصولاً چه چیزی تورم را به وجود می آورد؟ مطالعات متعدد انجام شده در اقتصاد ایران نشان می دهد که عمده تورم به وجود آمده، بحث طرف تقاضاست. ضریب متغیر نقدینگی و تورم در اقتصاد گسسته شده است. بحثی هم صندوق بین المللی پول سال ۲۰۰۶ انجام گردید و معلوم شد این تصور نادرست شاید به استفاده از قضیه عمده پولی باز می گردد. در چند سال گذشته ارتباط نقدینگی با تورم مقداری کاهش یافته است حجم پول اثر غالبی بر تورم دارد و کماکان سیاست های انبساطی پولی یا هرگونه سیاستی که منجر به انبساط پولی شود تورم را ایجاد می کند، اگر بخواهیم تورم را حداقل در کوتاه مدت مهار کنیم چه راهی داریم؟ قاعداً راهش باید مهار نقدینگی باشد اگر به تراز بانک ها نگاه کنیم می توانیم منبع مهار نقدینگی را پیدا کنیم، اگر از سمت پایه پولی نگاه کنیم می بینیم در سال گذشته و همین طور سال جاری، یک بخش عمده خالص دارایی خارجی است که قاعداً ارزی است که دولت به بانک مرکزی می فروشد و بانک مرکزی آن را می خرد و به بازار می آورد. این بعد از سمت سیاستگذار مالی اعمال می شود. یک بعد دیگر هم افزایش بدهی بانک ها به بانک مرکزی است. افزایش بدهی بانکها، افزایش پایه پولی را به همراه دارد. اگر بخواهیم از سمت پایه پولی بررسی کنیم باید دو بعد مذکور را مهار کنیم زیرا ابعاد دیگر پایه پولی، خطری ایجاد نمی کند.

وی افزود: اگر بخواهیم بحث اول یعنی خالص دارایی های خارجی را مهار کنیم قاعداً نیازمند انضباط مالی هستیم. بانک ها باید میان منابع و مصارف خود تعادلی ایجاد کنند سوال اینجاست که چرا یک بانک از بانک

مرکزی اضافه برداشت کرده است؟ اضافه برداشت منبع گرانی است اما این بانک راهی نداشته است. دو عنصر اصلی پشت این قضیه است که یک بانک تعادلی میان منابع و مصارفش به هم می خورد قاعداً هرگونه سیاستی که باعث می شود بانک در فشار قرار گیرد برای اعطای تسهیلات مشکل ساز است.

دکتر قربانی تصریح کرد: بحث دیگر نرخ های سود است. ادبیات زیادی در زمینه نرخ های سود وجود دارد. نرخ های سود در سایر کشورها مساوی است با نرخ سود اسمی منتهای نرخ تورم که این همیشه باید عددی مثبت باشد. در اقتصاد انگلستان از سال ۱۹۸۲ تاکنون همواره این قضیه رعایت شده است، نرخ های سود واقعی در کشورهای دیگر مثبت است و در زمان افزایش تورم افزایش می یابند و در زمان افزایش تورم بیشتر مثبت می شوند زیرا می خواهند بحث ریسک را هم ملاک قرار دهند، اگر تورم در کشور بالا می رود به نظر نمی رسد کاهش نرخ سود، درست باشد. کاهش نرخ سود در شرایطی می تواند به تولید کمک کند اما زمانی که نرخ سود منفی است برای سرمایه گذار و تولید آسیب رسان می باشد. در بسیاری از کشورها، پدیده تعیین اداری و منفی کردن نرخ های سود اثر منفی بر اقتصاد، سرمایه گذاری و تولید دارد. یعنی هدفی که سیاستگذار به دنبال تحقق آن است با این کار عملی نمی شود پس باید نرخ های سود در اقتصاد را متناسب با شرایط اقتصادی تعیین کنیم.

زمانی که نااطمینانی تورم داریم پول به عنوان سپرده ۵ ساله به بانک ها نمی رود بلکه به صورت سپرده کوتاه مدت گذاشته می شود و سهم سپرده های کوتاه مدت بسیار بالا رفته است. به عنوان یک بانکدار اگر سهم سپرده کوتاه مدتم بالا باشد آیا عقلایی است پول را به صورت ۵ ساله قرض دهیم؟ قاعداً من هم به سمت سپرده کوتاه مدت می روم. پس اگر می خواهیم به بخش صنعت و کشاورزی کمک کنیم (علاوه بر اینکه دولت می تواند سیاست اعطای یارانه نرخ سود را اعمال کند) باید فضایی را فراهم کنیم که سهم سپرده های بلند مدت در بانک ها افزایش یابد. این امر به توسعه صنعت، کشاورزی و بخش های تولیدی کمک می کند. نمی توانیم فضایی را محقق سازیم که بانک مجبور شود به سمت بازرگانی برود. در این مورد یکسری راهکار بلند مدت و کوتاه مدت وجود دارد که یکی تقویت سیاست های پولی است. این که استقلال بیشتری در عمل به بانک مرکزی داده شود (هم به لحاظ تصمیم گیری و هم به لحاظ استفاده از ارز) بحث دیگر انضباط مالی هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت است. یکی از مسائلی که در بلند مدت انضباط مالی را محقق می سازد اصلاح ساختار مالیاتی است. اگر بخواهیم وابستگی ما از ارزهای نفتی کاهش یابد، باید به سمت اصلاح ساختار مالیاتی و افزایش سهم مالیات ها در درآمد برویم. هر چیزی که باعث شود فضای آینده برای فعالان اقتصادی ابری و تیره شود، باعث آسیب و ضربه به تولید و سرمایه گذاری در اقتصاد و صنعت خواهد شد.

زمانی که نااطمینانی تورم داریم پول به عنوان سپرده ۵ ساله به بانک ها نمی

رود بلکه به صورت سپرده کوتاه مدت گذاشته می شود و سهم سپرده های کوتاه

مدت بسیار بالا رفته است. به عنوان یک بانکدار اگر سهم سپرده کوتاه مدتم بالا

باشد آیا عقلایی است پول را به صورت ۵ ساله قرض دهیم؟ قاعداً من هم به سمت

سپرده کوتاه مدت می روم.